



میرزا رحیم خان چاغروند
معین السلطنہ

پژوهش و تصحیح: ساسان والی‌زاده

سرشناسه	والیزاده، ساسان، ۱۳۵۳
عنوان و نام پدیدآور	: ژغرافیای لرستان / نویسنده: میرزا رحیم خان چاغروند / پژوهش، تصحیح و تحشیه: ساسان والیزاده، ویراستار: وحیده بهرامی
مشخصات نشر	: خرم‌آباد، انتشارات هاویر، ۱۴۰۲
مشخصات ظاهری	: ۲۴۰ ص
شابك	: ISBN ۹۷۸ - ۶۲۲ - ۸۳۴۱ - ۳-۰۳
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیا
یادداشت	: واژه‌نامه
یادداشت	: کتاب‌نامه ص ۲۱۷-۲۲۹
موضوع	: لرستان -- جغرافیا Lorestan (Iran: Province) -- Geography
موضوع	: ایلات و عشایر ایران -- لرستان -- تاریخ Nomads -- Iran -- Lorestan -- History
موضوع	: لرستان -- جغرافیای تاریخی Lorestan (Iran) -- Historical geography
شناسه افزوده	: لرستان -- تاریخ Lorestan (Iran: Province) -- History
	: لرستان -- آثار تاریخی Lorestan (Iran: Province) -- Antiquities
رده‌بندی کنگره	: میرزا رحیم خان، چاغروند (معین السلطنه)، ۱۳۰۴-۱۲۴۰ DSR 2051
رده‌بندی دیویی	: ۹۱۵/۵۲
شماره کتاب‌شناسی ملی	: ۹۵۲۱۴۱۵

شناسنامه

ژغرافیای لرستان

میرزا رحیم خان چاغروند (معین السلطنه)

پژوهش، تصحیح و تحشیه: دکتر ساسان والیزاده

ویراستار: وحیده بهرامی

طراح و گرافیکست: سید احسان نوری نجفی

مشق بسم ا...: محمدرضا رحیمی

ناشر: چاپ: همراه: ۰۹۱۶۹۷۰۰۴۰۶

مدیر تولید و ناظر چاپ: سهریمه اسدزاده

چاپ: طاهر

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه چاپ اول ۱۴۰۲

بها: ۱۰۰ هزار تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۸۳۴۱-۰۳-۳

Haavirpub@gmail.com

Instagram: havir.pub

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.



9 786228 341033



انتشارات هاویر

با همکاری انجمن لرستان شناسی

پیشکش به نوشتگان فقید فرهنگ لرستان

محمدرضا والیراده معجزی
اسفندیار غضنفری امیر



فهرست

۱۱

مقدمه

۱۵

فصل نخست: چستی و چگونگی

۱۷

مشخصات نسخه خطی و روش تصحیح

۲۰

مشخصات و مشکلات رسم الخط

۲۳

مختصات و اشکالات ویرایشی و نگارشی

۲۳

الف: بر پایه واژگانی

۲۶

ب: بر پایه نحوی

۲۹

باغ مومیا: گزارش توصیفی و انتقادی متن کتاب

۵۱

فصل دوم: من اعرافیای لرستان

۵۳

بناهای قدیم خرم‌آباد

۵۵

سراب‌های خرم‌آباد

۵۶

رودخانه‌ها

۵۷

قلعه‌ی حکومت‌نشین

۵۸

علی‌آباد-محسن‌آباد

۵۸

باغ گلستان و حصار قلعه

۵۹

سراب شاه‌آباد و کیو

۶۰

دهکده‌های خرم‌آباد

۶۲

گوشه شاهنشاه

۶۲

حدود شهرستان لرستان

۶۴

شهرهای قدیم لرستان

۶۵

پل‌های لرستان

۶۵

پل هیزه

۶۶

پل کرو دختر

۶۶

پل کشکان

۶۷	پل کلهر
۶۷	پل های خرم آباد
۶۸	پل های صیمره
۶۸	معادن لرستان
۷۱	طوایف لرستان
۷۱	الف، صفحه بالاگریوه
۷۲	طایفه بیرانوند
۷۶	طایفه سگوند
۸۱	طایفه دالوند
۸۲	طایفه قاید رحمت
۸۲	طایفه پابی
۸۵	طایفه جودکی
۸۶	طایفه دیرکوند
۹۰	طوایف چابک
۹۲	سراب های پست
۹۴	طایفه زکزک
۹۴	طایفه طولابی
۹۵	طایفه شیراوند
۹۵	طایفه رومیانی
۹۵	طایفه رشنو
۹۶	طوایف طرهان
۹۶	فرزندان سردار اکرم و خوانین طرهان
۱۰۱	طوایف دلفان
۱۰۶	طوایف سلسله
۱۰۹	سراب های الشتر
۱۱۰	بیلاق و قشلاق طوایف سلسله
۱۱۴	طوایف پشتکوه
۱۱۴	فرزندان والی و خوانین پشتکوه

۱۱۸	چرداول
۱۱۸	شیروان
۱۱۸	هلیلان
۱۲۰	شاهزاده محمد ^(۱۴)
۱۲۱	سیمره

پیوست‌ها

۱۲۵	۵ پیوست نخست: متن نسخه خطی
۱۵۹	۵ پیوست دوم: انتقال و اقتباس در یادداشت لرستان نوشته محمد مهران
۱۷۵	۵ پیوست سوم: نقد تصحیح افشار-شعبانی
۱۸۷	۵ پیوست چهارم: گستانه‌ها، گزارش‌های لرستان در عصر قاجار
۱۸۹	۱. سیاحان خارجی
۱۹۶	۲. سیاحان داخلی
۲۰۳	۵ پیوست پنجم: بازکاوی جمعیت لرستان در نیمه دوم قرن سیزدهم
۲۰۵	فهارس و منابع
۲۱۵	واژه‌نامه
۲۱۷	منابع و مأخذ
۲۲۳	نمایه طوایف
۲۲۹	نمایه کسان
۲۳۵	نمایه نامجاها

مقدمه

لرستان در سال‌های پایانی قاجاریه آبستن حوادث بسیاری بود. از یک‌سو اگرچه دوره قاجار رو به افول، اما ظلم و بی‌عدالتی، قبایل لرستان را ناچار به شورش کرده بود. از دیگر سو از پس حوادث جنگ جهانی اول، قدرت‌های بزرگ متوجه ایران و البته لرستان شده بودند در چنین وضعیتی بدیهی است تدوین گزارشی از وضعیت لرستان و تقسیم‌بندی طوایف گزارشی حائز اهمیت می‌تواند باشد.

کتاب ژغرافیای لرستان نوشته میرزا رحیم چاغروند ملقب به معین السلطنه نایب الحکومه لرستان در چنین روزگاری نوشته شده است.

ارزشمندی ژغرافیای لرستان به آن است که نویسنده خود از افراد باشنده این منطقه و کنشگر فعال آن بوده و با عمده سرکردگان ایلات ارتباط بلافصل داشته است. بدیهی است چنین اثری با عمده گزارش‌های قبلی که حاصل قلم‌اندازی خارجی‌ها، نظامی‌ها و یا مأموران حکومتی اعزامی بودند تفاوت جدی دارد.

متن این کتاب به خواسته میرزا علی نقی رکن‌الدوله حاکم لرستان و خوزستان در سال‌های نخستین پادشاهی احمدشاه در رمضان ۱۳۳۴ برابر با تیرماه ۱۲۹۵ و جولای ۱۹۱۶ نگارش یافته است. مؤلف، کتاب را «ژغرافی» نامیده است که هورتی از ژئوگرافی به معنی زمین‌نگاری است. البته خود واژه جغرافی معربی از این واژه است بنابراین انتخاب مؤلف به طبیعت کلمه اصلی و زبان فارسی نزدیک‌تر است، هم‌ازاین‌رو در انتخاب نام کتاب لزومی به تغییر کلمه ژغرافی دیده نشد، اگرچه معین السلطنه به‌جز عنوان در متن از واژه جغرافی هم استفاده کرده است.

این کتاب شامل اطلاعاتی درباره جغرافیای اقتصادی (منابع درآمد طوایف از زمین و معدن)، جغرافیای انسانی (شامل شرح طوایف و جمعیت)، جغرافیایی تاریخی (شامل گزیده آنچه بر طوایف گذشته است)، جغرافیای طبیعی (شامل بیان کوه‌ها، رودخانه‌ها، چشمه‌ها و...) و جغرافیای سیاسی (شامل معرفی استعداد نظامی طوایف و سرکردگان آن‌ها) است.

البته هدف مؤلف از ابتدا تدوین کتاب عمومی برای شناخت احوال لرستان با نگاه فرهنگی نبوده است بلکه کتاب همان‌گونه که در مقدمه خود اثر آمده به خواسته حاکم لرستان و با اهداف امنیتی و مالیاتی نوشته شده است. چنین اثری را به تعبیر امروزی می‌توان «شناسنامه امنیتی و اجتماعی» نامید که پلیس برای شهرهای مختلف تهیه می‌کند. آن‌چنانکه سه سالی پیش از او میرزا جعفرخان خواجه‌نوری (موفق‌الدوله) به دستور نظام السلطنه اثری مشابه آفریده بود و دو دهه بعد نیز رزم‌آرا اثر دقیق‌تری با همین هدف تألیف کرد.

باید دانست کار تتبع، تعمق، تصحیح، تفتیش و تدقیق در متون و مخطوطات قدیم به‌ویژه برای جغرافیایی چون لرستان که دارای کمبود منابع دست‌اول است طرفه کاری بایسته است. نسخه سقیم را به تصرف نظر به صلاح آوردن و پرسندگی و بررسی تطور تاریخ لرستان و زنده سازی مخطوطات، در غیاب کاهلی نهادهای فرهنگی پژوهنده‌ای مایه ور می‌خواهد که این فقیر

از سرِ ناگزیری و برای جبران تأخیر پژوهندگان متقدم به آن دست یازید. افسوس همه آن است که نادیده‌گیری میراث نیاگانی و ثروت معنوی، نداشتن التفات به مآثر و آثار پیشینیان و دبیریان، قشر بازی و پوست ورزی و انکار ورزی عادت مذبح و سکه مقبول است.

صاحب این قلم چند سالی است کار تصحیح مخطوطات و متون لرستان را وجه تلاش خود قرار داده و خشنود است که از این سلسله آثار خطی، علاوه بر آثار پراکنده دیگر، پنجمین کتاب تصحیح شده را تقدیم لرستانی‌ها و لرستان پژوهان می‌کند، با این امید که به اندازه توان، زنگاری از آئینه تاریخ لرستان گشوده شود. البته این کارک‌ها پیش درآمدی برای نگارش و نگرش اهل بینش و متن‌شناسی محققانه است تا فرصت تحلیل جامعه‌شناختی و نمایاندن تطور تاریخ لرستان پدید آید.

در این کتاب پس از بیان چپستی و چگونگی تألیف این اثر، مشخصات نسخه خطی را بیان کرده‌ام و در ادامه به مثابه فرصتی برای کشف مختصات نشر دوره قاجار آن را از نگاه مشخصات رسم الخط و ویژگی‌های واژگانی و آرایه‌های زبانی و تطورات نحوی بررسی کرده‌ام. گزارش تفصیلی و انتقادی از متن کتاب را برای خوانندگان و پژوهندگانی که اهل مذاقه و تحلیل هستند، تحفه پیشگفتار ساخته‌ام.

در فصل دوم متن اصلی ژغرافیا را آورده‌ام. برای خواندن دقیق متن کوشش بسیار داشتم و از برخی پژوهشگران هم هر دشواری‌ها مدد جست‌م تا متنی منقح و دقیق را تقدیم کنم. قریب به دو سال تلاش برای کشف تراجم و اشارات و معرفی نام جاها حوصله زائدالوصفی می‌خواست که به یاری ایزد انجام پذیرفت. اگر چه منتهمان را نیاز به بسط و شرح و تعلیقه نبود اما برای بهره عام این وظیفه را از خود ساقط نکردم.

ناگفته نگذارم برای اطمینان از صحت قرائت چند کلمه حدود یک سال چاپ کتاب را عقب انداختم تا از طرق مختلف از صحت قرائت خود مطمئن شوم. نوشتن قریب به یک هزار پانویست بهترین گواه دشواری کار برای زدودن هرگونه ابهام از نام کسان و نامجاها است. گاهی تنها برای آن که از صحت معنی یا املا یک کلمه مطمئن شوم روزهای بسیاری، آن هم در میانه شغل پرهیاهوی رسانه‌ای جویا و پُرسان بودم و ده‌ها کتاب و مقاله را مطالعه و تورق می‌کردم، چنین می‌انگارم عموم مصححان از چنین مرارتی پرهیز دارند.

گفتنی است در تصحیح این اثر اصرار داشته‌ام همه ظرایف و دقایق کتاب آشکار شود. مختصات نسخه خطی معرفی شود، واژگان دشوار معنی شود، همه نام کسان حتی المقدور شرح داده شود، نام جای‌ها معرفی شود، پیشینه و پسینه وقایع توضیح داده شود. خصایص متن و اختصاصات نشر شکافته شود. اشارات و اختصارات شرح و بسط داده شود و همه عبارات غامض گره‌گشایی شود و اشکالات بررسی‌های قبلی گوشزد شود. چنین نوع تصحیحی را از آثار دانشوران و اوستادانی چون علامه قزوینی، غلامحسین یوسفی و مینوی آموخته‌ام. البته کتاب‌های مختلفی هم به نام تصحیح منتشر می‌شود که با نام افراد موجه هم مزین است ولی از تایپ و ماشین‌کردن متن و حداکثر معنی چند واژه و تحریر یک مقدمه در کلیات فراتر نرفته‌اند. برخی تصحیح‌ها هم در «مکتب سرعت» اگرچه از این عیب‌ها ببری هستند تنها متن منقح را در اختیار می‌دهند بی هیچ کشایشی در مفاهیم و معانی.

این کتاب در فصل دوم دارای چند پیوست است. در پیوست نخست متن خطی ژغرافیای لرستان عیناً برای استفاده و تطبیق پژوهندگان ضمیمه شده است. در پیوست دوم به بحث انتقال و اقتباس پرداخته‌ام و نسبت این کتاب را با آثار قبل و بعد خود سنجیده‌ام. در پیوست سوم نسخه‌ای را که پیش از این تحت نام استاد ایرج افشار و احمد شعبانی در مجله شقایق (۱۳۷۶) منتشر شده بررسی و اشکالات آن را گزارش کرده‌ام.

در پیوست چهارم برای آنکه جایگاه این اثر در میان سایر گستانه‌ها و کتاب‌های جغرافی و تاریخ لرستان آشکار شود فهرستی از همه نویسندگان و مؤلفان داخلی و خارجی عصر قاجار که لرستان را کاویده‌اند تنظیم کرده‌ام.

در پیوست پایانی نیز گزارشی قیاسی از سیر تطور جمعیت طوایف لرستان تدوین کرده‌ام که پژوهشگران را به کار خواهد آمد.

چنان‌که آشکار است معین السلطنه در زمان رکن‌الدوله در سال ۱۲۹۴ خورشیدی صاحب این لقب شد و پیش از آن با القاب دیگری چون کلانتر و بیگلربیگی یا همان اسم فامیل ساده «چاغروند خرم‌آبادی» شناخته می‌شد اما مصحح کمابیش همه‌جا او را در گزارش‌های خود با همین لقب پایانی نامیده است.

در معرفی نام بزرگان طوایف نهایت احتیاط و خوف را داشتم که مبدا قلم، لایالی یا بی‌مبالاتی کند و اندازه نگه ندارد! از سویی کشف و شرح تراجم هم ضروری می‌نمود؛ بنابراین از آنجاکه این تعلیقه‌ها خالی از ملاحظه نیست اگر قصوری در شرح نام بزرگان طوایف صورت گرفته و خبط و غلطی روی داده مؤلف را در ناگزیری و ناگزیری معذور بدانند که دانش او و یا پرسش‌شوندگان همین مایه دانستگی را ارزانی داشته و البته بی‌نیاز به تکمیل و اصلاح در بونه نقد نیست.

در تصحیح و تعلیقات و دیگر افزوده‌ها مهرورزانی مؤلف را بی‌ای نادمند. بیان نام ایشان کمترین حق‌شناسی است: آقایان سید فرید قاسمی، محسن روستایی، سید بدایه‌ستوده، غلامرضا عزیزی، محمدجعفر محمدزاده و به‌ویژه همسرم وحیده بهرامی که گره‌گشایی‌های مفید داشتند.

در شرح اعلام و بازشناخت طوایف نیز خوش‌تر دانستم که در هر مورد به پژوهشگری از همان ایل و طایفه مراجعه کنم که در همه موارد مهری‌دریغ این عزیزان ارزانی این جانب شد:

آقایان فیروز آزادی و منوچهر‌والی‌زاده (درباره ایل بیرانوند)؛ شهرام خسروی کره‌زبر و زنده‌یاد محمد یوسف‌زاده (درباره ایل سگوند)؛ همایون دالوند (درباره طایفه دالوند)؛ مسعود یوسفی (درباره طایفه کرمعلی‌ها)، مراد حسین پاپی (درباره ایل پاپی)؛ محمدجعفر محمدزاده (درباره طوایف و بزرگان کوه‌دشت)؛ عبدالرسول بهمانی (درباره طوایف دلفان)؛ بهمن آزادی چگنی (درباره ایل چگنی)؛ فردین شهبازی (درباره طایفه فلک‌الدین)؛ مسعود فرج الهی (درباره طوایف گولیوند و حسنوند)؛ احمد لطفی (درباره طوایف ساکن دره شهر)؛ محمدجواد خانزادی (درباره طوایف ایلام). همچنین کسانی حوصله کرده و نسخه کتاب را قبل از چاپ بازخوانی نمودند که نکات ارزنده ایشان بر ارج کتاب افزود و پاره‌ای کاستی‌ها را برطرف نمود.

از آنجاکه بخشی از این کتاب ضمن رساله این جانب در دوره دکتری مورد بررسی قرار گرفته بود به آن اعتبار نیز لازم می‌نماید از استادان گرامی دکتر محمد خسروی شکیب، دکتر علی نوری و

دکتر زهره صادقی تحصیلی نیز سپاس گویم.

عزیزانی هم در کلیات کار مشوق و برانگیزاننده و یا حامی و مجبر و پشتیبان بوده‌اند که از ایشان سپاس ویژه دارم. کسانی هم (علیه ما علیه) بنده را از انجام این تحقیق پرهیز داده و این گونه کتاب‌ها را بی‌فایده دانسته و حاصل کار را بی‌اهمیت می‌خواندند، این عزیزان که نامشان با نوشتن این سطرها برایم تداعی می‌شود با نفی و نهی خود ناخواسته بنده را در انجام این کتاب مصمم و استوار ساختند.

بی‌پرده بگویم، دیگرانی هم با داشتن برخی اطلاعات می‌توانستند بر غنای کار بی‌افزایند اما از بذل این دانسته‌ها دریغ کردند که ایشان را به حال خوششان رها می‌سازم. مصحح بی‌هیچ نواضع قلبی ریزی‌بینی‌ها و سخت‌کوشی‌های بسیار برای ارائه اثری ویراسته و بایسته داشته است، باین همه بر برخی کوتاهی‌ها آگاهی دارد و البته از مذاقه اهل فن استقبال می‌کند تا کاستی‌های تصحیح پیش‌رو را بر او بنمایند و در راه به‌کرد آن در چاپ‌های آتی و دانستگی مصحح او را یاری نمایند، البته امید دارد خوانندگان و خوانندگان همین مایه سعی را از این فقیر بپذیرند، چراکه:

گفته‌ام آن قدر که دانسته‌ام^۱

گر به تمامی نتوانسته‌ام

گاهی خستگی جان و ملالت ناهمگان و همالان و اقتضائات شغل و تنگی زمان مانع پوییدن بیشتر برای تنقیح کتاب می‌شد و اکنون مؤلف از این بابت خود را سزاوار سرزنش و ملامت می‌داند که چرا زورق بی‌رونق خود را در لجه پرتیغ و مهیب پژوهش به ساحلی نرسانده‌ام. البته باید خستوی این سخن راست باشم که تنها دنبال تصحیحات قیاسی و استحضانات شخصی نبوده‌ام که کتاب درآوردن این‌گونه چندان هنری ندارد!

برای بیان مقصود خود، سخن را به دست صاحب فاضل کتاب «تاریخ در نرازو» دهم که می‌گوید: کدام کار دشواری هست که برای کاهلی در اتمام آن بتوان بهانه تراشید و اگر همه جا حتی در کارهای علمی نیز عذر و بهانه مسموع و مقبول باشد کار درست و کامل را چگونه و از که می‌توان انتظار داشت؟^۲

ساسان والی‌زاده | دی ۱۴۰۲

۱. این شعر از صفیر اصفهانی است و آن را در مقدمه کتاب تحفه سلطانیه نوشته حسن بن گل محمد و به تصحیح محبوبه مسلمی‌زاده یافتیم.

۲. زین گوپ، ۱۳۷۷: ۵۳.